

فوتبال ۷۲ ملت؛ از باشگاه تا تیم ملی

عزیز بومی
ای هم قبیله، خدا حافظ!

ملی پوشان اجاره‌ای

این مفاهیم در ورزش اما به گونه‌ای دیگر روایت می‌شوند. زمانی که پرچم یک کشور توسط یک ورزشکار به اهتزاز درمی‌آید، یک جشن ملی برپا می‌شود. چه آنکه وطن به این تعلق خاطر رنگ و بوی ملی و میهنی می‌دهد. فرقی نمی‌کند که این پرچم متعلق به چه سرزمینی باشد، خاور دور، غرب، شاخ آفریقا، قطب جنوب یا شمال، آمریکا و خاورمیانه در آتش. همه جا وطن که نماد آن پرچم است، ارزش و احترامی دوچندان داشته و کاتالیزوری برای پیوند یک ملت شده. چه آنکه تمامی ورزشکاران زیر این پرچم هموطن هستند و موفقیت آنها موفقیت یک وطن و یک ملت است. این مفاهیم متعالی اما حالا مسیر دیگری یافته‌اند. آنجا که بالا رفتن این پرچم به هر قیمتی هدف شده. آنقدر مهم که برای موفقیت و اهتزاز آن می‌توان ملیت را خرید و وطن را هدیه کرد. استخدام ورزشکاران نخبه توسط کشورهای متمول و اعطای تابعیت و ملیت با همین انگاره صورت می‌گیرد. وقتی پولدارها ستاره می‌خرند تا ستاره‌ها این پرچم را بالا ببرند و مایه افتخار یک ملت شوند. آنچه سبب شده تا مفهوم وطن خلوص و بکر بودن خود را از دست بدهد، اتفاقی که شاید منتقدانی داشته باشد اما همان منتقدان هم از بالا رفتن پرچم کشورشان به هر قیمتی مشغوف و شادمانند، حتی به قیمت

ستاره‌های اجاره‌ای.

قطر به عنوان یکی از کشورهای صاحب سبک در ورزشکاران اجاره‌ای در این زمینه پرچمدار است. آنها سال‌هاست که در همه رشته‌ها بویزه فوتبال ستاره‌های دیگر کشورها را استخدام می‌کنند تا بلکه به موفقیت چنگ بزنند. سیاستین کینتانا مهاجم اروگئه‌ای تبار سال‌های گذشته تیم ملی قطر شاید بهترین مثال در این زمینه باشد. در همین جام جهانی اخیر از ترکیب ۱۱ نفره قطر، ۶ بازیکن تبعه این کشور بودند و زادگاه‌شان سرزمین دیگری بود.

این سناریو تنها مختص قطر نیست. حتی کشور بزرگ و پراعتباری چون آلمان هم از این آپشن پیش و کم سود برده. لوکاس پودولسکی معروف به پولدی ستاره سال‌های گذشته تیم ملی آلمان و باشگاه بایرن مونیخ و ژروم بوتانگ مدافع تیم ملی و باشگاه بایرن مونیخ دو مثال روشن در این زمینه‌اند. پولدی یک لهستانی الاصل بود که پیراهن ژرمن‌ها را با کشورش تاخت زد و بوتانگ که غنایی بود و به کشورش پشت کرد تا پیراهن تیم ملی آلمان را بپوشد، در حالی که برادرش کریس بوتانگ در تیم ملی غنا توپ می‌زد! از این دست ستاره‌ها در دنیای فوتبال بی‌شمارند؛ آنها که معنا و مفهوم وطن را به گونه‌ای دیگر روایت کرده‌اند.

باشگاه ۷۲ ملت

مفهوم وطن در باشگاه معنای متفاوت و جزئی‌تری دارد. اینکه بازیکنان یک تیم باشگاهی متعلق به همان منطقه و همان شهر باشند، یک اصل سنتی بوده که از دیرباز در باشگاه‌های بزرگ و کوچک رعایت می‌شده. قانون ۳۴۱ بازیکن برای باشگاه‌های اروپایی برتافته از همین اصل بود که تا سال‌ها به باشگاه‌های اروپایی مجوز می‌داد تنها از ۳۴۱ بازیکن غیر بومی در ترکیب خود استفاده کنند. قانونی که با حرفه‌ای شدن هر چه بیشتر ورزش و نفوذ پول و سرمایه در فوتبال منسوخ شد. آنجا که قانون بوسمن در فوتبال اروپا جا افتاد که محدودیت بازیکنان غیربومی در تیم‌های باشگاهی را زائل کرد. در طول دو دهه اخیر این روند تا بدانجا پیش رفته که باشگاه‌های اروپایی گاه حتی یک بازیکن بومی را نیز در ترکیب خود ندارند! چه آنکه در تمامی باشگاه‌ها هدف موفقیت و کسب جام است و این هدف بر هر سنتی ارجحیت دارد. در پایان فصل فرقی نمی‌کند که چه کسی جام را بالای سر ببرد؛ یک بازیکن رنگین پوست آفریقایی، یک سفیدپوست بلوند اروپای شرقی و یا یک سبزه‌روی آمریکای لاتین. مهم این جام است که بالای سر می‌رود و هواداران یک تیم را به آسمان می‌فرستد تا از قهرمانی تیم‌شان سرمست باشند. من سیتی قهرمان سه‌گانه اروپا در فصل جاری مصداق بارز این انگاره است. تیمی که در فصل جاری از تعداد انگشتان دو دست کمتر انگلیسی در اسکواد خود داشت که البته در بسیاری اوقات عمدتاً نیمکت‌نشین بودند و ستاره‌های غیر انگلیسی در ترکیب سیتی به میدان می‌رفتند. گاه حتی اتفاق می‌افتاد که ۱۱ نفر داخل میدان هیچ‌کدام انگلیسی نبودند تا سیتی عملاً یک تیم ۷۲ ملت باشد.

لیگ سترون

در فوتبال ایران به تبع از فوتبال اروپا این انگاره آرام آرام جا افتاده. به گونه‌ای که تیم‌های هر شهر از بازیکنان بومی رفته رفته تهی می‌شوند و جای آنها را بازیکنان وارداتی از خارج این شهر و استان می‌گیرد. رویه‌ای که البته یک اصل پذیرفته و حرفه‌ای است. فراموش نکنید که در هر شهر و هر استان تعداد بازیکن حرفه‌ای شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نرسد و از همین رو جاهای خالی پرشمار یک اسکواد را باید با وارداتی‌ها پر کرد. بویزه اینکه لیگ ایران اساساً در طول این سال‌ها از زایش و تولید تهی شده و بدل به یک لیگ سترون گشته که تقریباً هیچ چهره جدیدی در چنته ندارد و در آن متولد نمی‌شود. چرخه استعدادیابی و بازیکن‌سازی در فوتبال ایران تقریباً متوقف شده و از همین رو بازیکنان موجود حتی در پیرانه‌سری هر فصل در میان تیم‌های لیگ جابه‌جا می‌شوند. تیم‌هایی که لزوماً متعلق به شهر و خاستگاه آن بازیکن نیستند. بررسی بازیکنان بومی تیم‌های لیگ برتری تصویر روشن‌تری از این واقعیت را پیش روی ما قرار می‌دهد. آنجا که درمی‌یابیم تعداد بازیکنان بومی در هر تیم لیگ برتری حتی به تعداد انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد. مثال‌ها در این زمینه حقیقت را فریاد می‌زنند. در پرسپولیس به عنوان قهرمان مطلق فصل گذشته فوتبال ایران که دبل کرد، تنها ۲ بازیکن بومی در فصل گذشته عضویت داشتند که خاستگاه‌شان پایتخت بود؛ مهدی ترابی و کمال کامیابی‌نیا. البته اگر بخواهیم کرج

مقدس که انسان گاه برای دفاع از آن حاضر شده تا جانش را فدا کند. این همانجایی است که این واژه جهانی، اهمیتی فراتر از زندگی می‌یابد. وقتی جان، بهای وطن می‌شود تا عزیزترین و مهم‌ترین دارایی یک انسان در راه این پدیده قدسی هزینه گردد. آدمی از دیرباز تعصب و دلبستگی ویژه به وطن داشته و موطن خود را می‌پرستد. پرستشی که در تمامی شئون و رفتارهای زندگی تأثیر خود را گذاشته؛

سعید آقایی

روزنامه‌نگار

«وطن» یک واژه مقدس است. واژه‌ای برخاسته از دل زندگی که گستره‌ای از مفاهیم خاص و ویژه را در بر می‌گیرد. مفاهیمی جهان شمول که معنا و مفهوم زندگی در آن نضج می‌یابد و قداست و اهمیت آن ورای زندگی است. در طول تاریخ وطن همیشه یک کلمه خاص بوده که تقدیس شده. آنقدر

حتی در جزئی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها. تعصب و سرسپردگی به محله زندگی که از دیرباز در خرده فرهنگ ما ایرانی‌ها جاری و ساری بوده، از همین جا می‌آید. یعنی دلبستگی و سرسپردگی به موطن و عجیب اینکه این عشق ازلی به افراد نیز تعمیم پیدا می‌کند. آنجا که بچه محل و همشهری، همیشه در مناسبات ما ایرانی‌ها احترام و شایستگی دوچندان و ویژه داشته.

ریخت و پاش نکنید!

مرتضی فنونی‌زاده

مدافع اسبق پرسپولیس

پرسپولیس در نقل و انتقالات خوب کار کرده. ابتدا مدیران باشگاه شهاب زاهدی را برگرداندند. این بازیکن در پایه‌های پرسپولیس رشد کرده بود و حالا با کسب تجربه آماده است که کیفیت خوبی را به تیم نشان دهد. در ادامه هم کنعانی‌زادگان مدافع ملی‌پوش و همین‌طور ریگی را به خدمت گرفتند که هر دو، بازیکنان خوبی هستند. من معتقدم باشگاه پرسپولیس باید به جای خریدهای میلیاردری بخشی از هزینه‌های هر فصل خود را روی تیم‌های پایه‌اش بگذارد تا از دسترنج خود استفاده کند و در آینده درآمدزایی هم داشته باشد.

خریدهای پرسپولیس هدفمند بوده و الکی ریخت و پاش نکرده. برای مثال ریگی جایگزین کامیابی‌نیا شده. او بازیکن خوبی است که سابقه بازی در تیم‌های بزرگ را داشته و قطعاً در تفکرات تاکتیکی گل محمدی جای دارد که جذب شده. پرسپولیس در خط هافبک کمبودی احساس نمی‌کند و با وجود بازیکنانی مثل سروش رفیعی، سعید صادقی و همین‌طور مهدی ترابی سرخوشان در بازیسازی مشکلی نخواهد داشت و با توجه به بازی‌های حساسی که پرسپولیس در پیش دارد به نتایج آنها می‌توانند بازی کنند و خستگی باعث آفت‌شان نشود.

پس از جذب کنعانی‌زادگان، یحیی گل محمدی اعلام کرد قصد ندارد از دفاع سه نفره استفاده کند و از بین ۳ دفاع وسط اصلی پرسپولیس یک نفر باید روی نیمکت بنشیند. برخی‌ها می‌گویند با نیمکت‌نشین شدن یکی از این ۳ نفر پرسپولیس دچار حاشیه می‌شود. کنعانی‌زادگان و پورعلی‌گنجی دو بازیکن ملی‌پوش تیم هستند و به همراه گولسیانی، خیال گل محمدی را از خط دفاع راحت کرده‌اند، اما قطعاً یحیی نمی‌گذارد حاشیه‌ای در این خصوص پیش بیاید و این سه مدافع هم بازیکنان کم‌تجربه‌ای نیستند و این مسأله باعث می‌شود که برای رسیدن به ترکیب اصلی رقابت داشته باشند که قطعاً باعث پیشرفت‌شان خواهد شد.

جدایی آل‌کنیر و پریرا از پرسپولیس باعث شد که پرسپولیس بشدت به جذب مهاجم نوک نیاز پیدا کند. آل‌کنیر با توجه به سن و سالش مسائل مالی برایش اهمیت داشت و به نظر من جدایی او از پرسپولیس به ضررش تمام خواهد شد. آل‌کنیر نباید فراموش کند که با چه شرایطی بعد از مصدومیت به تیم برگشت و گل محمدی پای او ایستاد و آل‌کنیر هم بعد از آن توانست گل‌های حساسی بزند و به پرسپولیس کمک کند، اما معتقدم که رفتن او به سیاهان اشتباه بود.

مهدی عبدی بازیکنی است که در پرسپولیس رشد پیدا کرده و گل محمدی می‌تواند به او بیشتر بازی دهد. عبدی بازیکنی است که می‌تواند با توجه به سبک بازی پرسپولیس و فوتبال روی زمینی که سرخوشان ارائه می‌کنند، روی مدافعان وسط حریفان فشار بیاورد و مثرتر خواهد بود. عبدی بازیکن جوانی است که باید بیشتر به او میدان داده شود تا اعتماد به نفس این بازیکن بالا برود. شاید او در هر بازی گل نزند، ولی می‌تواند در لحظات حساس به کمک پرسپولیس بیاید. در کل برای فصل نقل و انتقالات نباید ریخت و پاش کرد و باید هدفمند و با برنامه خرید نمود. سیاستی که پرسپولیس در پیش گرفته و با یکی، دو خرید دیگر کامل خواهد شد.

پرسپولیس؛

کمال کامیابی‌نیا،
مهدی ترابی
(کرج)

استقلال؛

روزبه چشمی،
آرش رضواند

سیاهان؛

بدون بازیکن
اصفهان؛

ذوب‌آهن؛

بدون بازیکن
اصفهان؛

تراکتور؛ سعید

آقایی، محمد
قنبری (ارومیه)، مهدی
کیانی (در پایان فصل
جدا شد)

آلومینیوم؛

امیر نوری،
سجاد آقایی

نساچی؛

حسین خطیر،
احسان قهراری،
مهرداد عبدی

مس

رفسنجان؛
فرشید باقری
(کرمان)

فولاد؛ ایوب والی،

مجتبی نجاریان،
حمید بوحمندان، سینا
مریدی

گل‌گهر؛

مهران
گلزاری (کرمان)،
احمد زنده‌روح، مهدی
تیکدری، علیرضا آرتا
(کرمان)

